

بنج‌شنبه ۹ مهر ۱۴۰۵| ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸|

📰 گزارش یک

نهرآ چدری

قصه تلخ نیازمندی در سالمندی

از هر ۱۰ سالمند، حدود شش نفر فاقد مستمری هستند، بنابراین جمعیت قابل توجهی از سالمندان خارج از جمعیت تحت پوشش سازمان بهزیستی کمیده امداد، سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی قرار دارند

برف پیری بر سر و رویش نشسته و گذر زمان چهره‌اش را خط خط کرده است. بسا تمام اینها در روز گاری که باید برای حفظ کرامتش دوران بازنشستگی را در آرامش بگذراند، با همان قد خمیده و دستان لرزان سینی چای را به اتاق مدیر می‌برد! این تصویر برشی کوتاه از زندگی سالمندانی است که در دوران پیری و در شرایطی که نیاز به استراحت و رفاه بیشتری دارند ناگزیر برند برای تأمین معاش‌شان همچنان کار کنند و اغلب آنها در مشاغل کاذب یا خدماتی به کار گرفته می‌شوند. آن‌طور که رئیس سازمان بهزیستی کشور می‌گوید تعدادشان هم کم نیست، حدود ۶۰ درصد سالمندان مستمری در یافت نمی‌کنند، یعنی از هر ۱۰ سالمند، حدود شش نفر فاقد مستمری هستند، بنابراین جمعیت قابل توجهی از سالمندان خارج از جمعیت تحت پوشش سازمان بهز بستنی، کميته امداد، سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی قرار دارند. در کشور، ما آنچه بیش از خود سالمندی حائز اهمیت است سرعت بالای حرکت جمعیت به سمت پیری است. در حال حاضر رشد عمومی جمعیت کشور حدود ۱٫۲۴ درصد است، در حالی که رشد جمعیت سالمند به ۴٫۸ درصد می‌رسد، یعنی سرعت رشد جمعیت سالمند بیش از چهار برابر رشد عمومی جمعیت است. مهم‌تر از همه اینکه هنوز ساختارهای اجتماعی کشور آمادگی مواجهه با این موج سالمندی را ندارد و این می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور هم سالمندان را دچار چالش کند و هم جامعه را با یک ابر بحران مواجه سازد.

■ **۶۰ درصد سالمندان بدون مستمری اند**

تنگناهای مالی و معیشتی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که همین حالا هم جمعیت ۱۳ درصدی سالمندان جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند. سید جواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور در نشست خبری به مناسبت گرامیداشت روزهای جهانی ناشنوایان و سالمندان با اشاره به وضعیت پوشش‌های حمایتی سالمندان گفت: «حدود ۶۰ درصد سالمندان مستمری دریافت نمی‌کنند، یعنی از هر ۱۰ سالمند، حدود شش نفر فاقد مستمری هستند، بنابراین جمعیت قابل توجهی از سالمندان خارج از جمعیت تحت پوشش سازمان بهزیستی، کميته امداد، سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی قرار دارند.»

📰 فرهنگ

رئيس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به زبان اشاره ایرانی گفت: آنچه در حوزهٔ زبان خاص تجربه داشته باشیم در اختیار قرار می‌دهیم تا برای این زبان عام بتوانیم ارتباط را تصویر، ساماندهی و استاندارد کرده و ایران صاحب یک زبان اشاره ایرانی شود. غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی اظهار کرد: شاید در نگاه اول ورود به بحث زبان اشاره، خارج از حوزه وظایف فرهنگستان زبان و ادب فارسی تلقی و این‌طور تصور شود که وظایف

📰 گزارش ۲

مهسا گربندی

به گفته حسینی در حوزه سالمندی با یک وضعیت چندلایه مواجه هستیم؛ از یک سو در آمد سالمندان کاهش می‌یابد و از سوی دیگر هزینه‌های زندگی و هزینه‌های سلامت آنها افزایش پیدا می‌کند. بخشی از سالمندان نیز از بیماری‌های خاص رنج می‌برند و گروهی از سالمندان دارای معلولیت شدید و خیلی شدید هستند که این موضوع ابعاد مسئله سالمندی را پیچیده‌تر می‌کند. وی با اشاره به وضعیت اقتصادی سالمندان افزود: «کنشه قابل توجه این است که پس از عبور از ۷۰سالگی، وضعیت در آمدی سالمندان در جامعه ایران به شکل محسوسی کاهش پیدا می‌کند، میانگین دهک در آمدی سالمندان ۶۰ تا ۷۰ ساله حدود ۵٫۷۶ است، در حالی که این رقم برای سالمندان بالای ۷۰ سال به حدود ۴٫۵۲ می‌رسد و نشان‌دهنده کاهش موقعیت در آمدی در سنین بالا تر است. این مجموعه مسائل نشان می‌دهد که

سالمندی در ایران صرفاً یک موضوع جمعیتی نیست، بلکه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، حمایتی و خانوادگی متعددی دارد و باید در برنامه‌ریزی‌های کشور مورد توجه قرار گیرد.» بنا به تأکید رئیس سازمان بهزیستی داده‌های ۳۰ استان نشان می‌دهد میانگین دهک در آمدی سالمندان از میانگین کل جمعیت پایین‌تر است و پس از ۷۰سالگی، شاخص در آمد سالمندان ۷۰ درصد و شاخص دارایی ۴۵ درصد کاهش می‌یابد. ■ **۲۳ میلیون نفر از جمعیت درگیر سالمندان** به گفته رئیس سازمان بهزیستی با توجه به جمعیت حدود ۱۳ درصدی سالمندان کشورمان که نزدیک به ۱۱ میلیون نفر را شامل می‌شود، نرخ درگیری جمعیت با مسائل سالمندی به حدود ۱۸ درصد می‌رسد، یعنی ۲۳٫۵ میلیون نفر از جمعیت فعال ایران درگیر سالمندان هستند.

بر اساس برآوردها، در فاصله سال‌های ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۲

ایران صاحب «زبان اشاره ایرانی» می‌شود

ما وظایف دیگری است؛ اگر زبان را منحصر در گفتار و نوشتار و همان محفوظاتی بدانیم که لفظاً آدا، بیان و شنیده می‌شود، این یک معنای خاص از زبان است. اما اگر زبان را در معنای وسیع‌تر و به‌عنوان وسیله ارتباط تعریف کنیم، در آن صورت زبان اشاره نیز جزو وظایف ما قرار می‌گیرد.

وی ادامه داد: با چنین تعریفی، فرهنگستان از چند سال پیش از همکاری با مجامع ناشنوایی استقلال کرده و در مباحث این موضوع ورود پیدا کرده است.

کتاب‌هایی که دوام نمی‌آورند

دوبار هزینه برای یک کتاب‌درسی!

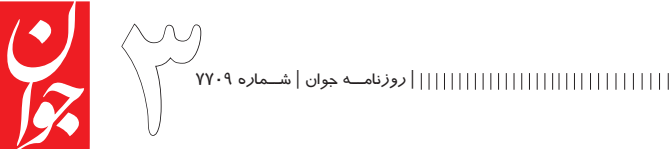
کارشناس آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «جوان»: به جای حل مشکل از ریشه، از مدارس می‌خواهند با مشکل کنار بیایند



فرایند صحافی اذعان داشته‌اند.

هر سال از سوی خانواده‌ها مطرح شده و گاه با پاسخی از سوی مسئولان آموزش و پرورش مواجه شده‌است، مثلاً شهر یور ماه دو سال گذشته، محمد علوی تبار، معاون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در توضیح وضعیت چاپ کتاب‌های درسی گفته بود که ۹۰ درصد کتاب‌های آن سال با کاغذ ایرانی چاپ شده و کیفیت کاغذ ایرانی نسبت به کاغذ خارجی پایین‌تر است. او همچنین درباره کیفیت کتاب‌ها و نیاز به سیمی کردن آنها گفته بود که در برخی موارد، کتاب هنگام مغتول شدن دچار پارگی شده و کیفیت چسب نیز در دوام کتاب اهمیت دارد. به گفته او، برای بهبود این بخش با یک شرکت دانش‌بنیان برای تهیه چسب گرم کتاب‌های درسی تفاهم شده بود.

این اظهار نظر، فارغ از اینکه وضعیت امروز کتاب‌ها تا چه اندازه تغییر کرده‌باشد، یک نکته مهم دارد، اینکه کیفیت فیزیکی کتاب درسی موضوعی واقعی و قابل بررسی است و خود مسئولان آموزشی نیز درباره کاغذ، چسب و



روزنامه جوان | شماره ۷۷۰۹



سرویس اجتماعی ۶۰۹۰۲۳۳۸۸۵



مهسا گربندی

جای خالی «تورم صفر» در میوه و تره‌بار میادین

کاهش سود بازرگانی در چند فروشگاه شهروند و عرضه مستقیم کالا برای اجرای طرح «تورم صفر»، این سؤال را ایجاد کرده است که آیا می‌توان همین کار را در میادین میوه و تره‌بار هم انجام داد؟!

گاهی فاصله میان دو قیمت، فقط چند قدم است؛ در یک سو، بساط واتی در گوشه خیابان و در سوی دیگر، میدان میوه و تره‌بار، محصول یکی است، اما قیمت گاه تفاوت چشمگیری دارد، تفاوتی که برای خرید چند کیلو میوه شاید در نگاه اول ناچیز به نظر برسد، اما وقتی بای خرید روزانه یک خانواده به میان می‌آید، دیگر عدد کوچکی نیست. برای نمونه، فروشنده‌گان واتی در برخی نقاط شهر خریده مشهدی را کیلویی ۲۰ هزار تومان عرضه می‌کنند، در حالی که قیمت همین محصول (با همان کیفیت) در برخی میادین میوه و تره‌بار به حدود ۴۶ هزار تومان می‌رسد. درباره سبب دورنگ نیز در شرق تهران، قیمت حدود ۸۰ هزار تومان در میان برخی فروشنده‌گان سیار در مقابل حدود ۱۶۰ هزار تومان در برخی میادین گزارش می‌شود، یعنی فاصلهای که در این نمونه به‌دو برابر می‌رسد. البته قیمت یک محصول می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند کیفیت، درجه‌بندی، محل عرضه، زمان خرید، هزینه نگهداری و شرایط بازار تغییر کند و مقایسه دو قیمت، بدون در نظر گرفتن این عوامل، به تنهایی نمی‌تواند تصویری کامل از بازار به دست دهد، اما مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که عمدتاً قیمت میوه در واتی‌ها کمتر از قیمت همان محصول مشابه در میادین تره‌بار است. گاه فاصله قیمتی آن قدر قابل توجه است که نمی‌توان به سادگی از کنارش گذشت، به‌ویژه وقتی بخش مهمی از خرید روزانه خوارها را همین بازار انجام شود. فروشنده‌گان میادین در توضیح تفاوت قیمت‌ها به هزینه‌های مختلفی اشاره می‌کنند. مثلاً می‌گویند بخش قابل توجهی از هزینه‌ای که برای فعالیت در میدل پرداخت می‌شود، به کرایه‌های چندصد میلیونی و هزینه‌های مربوط به محل عرضه برمی‌گردد.

■ **مسیری برای کاهش قیمت کالاها**

از اول این هفته، شهردار تهران از اجرای طرحی برای کاهش قیمت برخی کالاها خبر داده‌است. به گفته او، فروشگاه‌های شهروند از روز شنبه ۵۰ درصد از سود بازرگانی خود را کاهش داده‌اند و عرضه ۱۰ قلم کالا با قیمت ۴۵ تا ۵ درصد پایین‌تر از بازار و دو قلم کالا با قیمت اعلام‌شده؛ از سوی مرغ، رب و پنیر به این ارقام اضافه‌شود. شهرداری همچنین اعلام کرده که از ۱۵ مهرماه در مناطق ۲، ۴، ۵، ۱۵، ۲۰، ۲۲ و تولیدات استان‌های مختلف کشور بدون واسطه عرضه خواهد‌شد. مسیری که در صورت اجرای مناسب، می‌تواند بخشی از هزینه‌های زنجیره توزیع را کاهش دهد. اما رویکرد طرح تورم صفر می‌تواند در میوه و تره‌بار میادین شهرداری نیز مورد توجه قرار گیرد، زیرا اگر کاهش یک بخش از هزینه‌های زنجیره عرضه بتواند قیمت نهایی برخی کالاها را پایین بیاورد، کاهش هزینه‌هایی که در مسیر رسیدن میوه از عمده‌فروش به غرقه و سپس به دست مصرف‌کننده ایجاد می‌شود نیز می‌تواند بخشی از راحل کاهش قیمت‌ها در این میادین باشد.

پرواضح است که اگر ساز و کاری برای کاهش یا مدیریت هزینه‌های ثابت و کرایه‌های مرتبط با عرضه تعریف نشود، بدون آنکه کیفیت، اشتغال فروشنده‌گان یا دسترسی شهروندان به میادین تحت تأثیر قرار گیرد، بخشی از این کاهش هزینه می‌تواند در قیمت نهایی محصول برای مصرف‌کننده دیده‌شود. بی‌تردید می‌توان تجربه میادین تره‌بار را نیز از همین زاویه بررسی کرد، البته درصفا باهدف پایین آوردن یک عدد روی تابلو، بلکه بااین نگاه که کدام بخش از مسیر رسیدن محصول به سفره مردم را می‌توان کم‌هزینه‌تر کرد. شهرداری از در آمد مترو و اتوبوسرانی گذشته‌است اگر بتواند در درآمد کلان غرقه‌فهار میادین کم کند تا به جیب مردم برود چرا که‌نه!



حمیدرضا قائم‌ناب

استعفاهایی که باید دربار ه‌شان

دقیق‌تر سخن گفت

این روزها چند کلیپ در فضای مجازی منتشر شده که در آنها افرادی به معرفی خود به عنوان معلم، از استعفا از آموزش و پرورش می‌گویند و علت آن را حقوق پایین و ناراضیانی از وضعیت معیشتی و شغلی عنوان می‌کنند. کلیپ‌هایی از این دست، البته به‌سرعت دیده‌و بازنشر می‌شوند، چرا که روایت عملی که به‌دلیل حقوق پایین از شغلش استعفا کرده با تصویری که سال‌هاست از مشکلات معیشتی فرهنگیان در ذهن جامعه شکل گرفته، به‌راحتی پیوند می‌خورد. اما میان یک کلیپ و آنچه واقعاً در آموزش و پرورش می‌گذرد، فاصله‌ای است که نمی‌شود با هیاهوی شبکه‌های اجتماعی آن را نادیده گرفت.

پیگیری‌های انجام‌شده درباره برخی از این افراد، دست‌کم تصویری متفاوت از آن چیزی به دست می‌دهد که در فضای رسانه‌ای ساخته شده است. بنابراین اینکه همه این موارد را بی‌درنگ ذیل عنوان استعفاي معلمان به دلیل حقوق پایین قرار دهیم، با واقعیت موجود فاصله دارد. درباره برخی افراد نیز اساساً باید ابتدا روشن شود که آیا عنوان معلم بر آنها صدق می‌کند یا خیر. البته همین‌جا باید ایستاد و تأکید کرد که این موارد نیازمند بررسی رسمی و دقیق است و نمی‌توان با همان شتابی که یک کلیپ منتشر می‌شود، درباره افراد قضاوت کرد.

اما آنچه در این میان بیش از خود کلیپ‌ها اهمیت دارد، خطایی است که ممکن است در روایت ما از معلم ایرانی شکل بگیرد. معلمی که سال‌ها با تبعیض، دشواری معیشت و گلابه از نظام پرداخت دست و پنجه نرم کرده، در تمام این سال‌ها کلاس درسش را به حال خود رها نکرده‌است؛ نه کرونا و از دانش آموزش جدا کرد و نه زورهای سخت جنگ. تدریس تعطیل شد، اما معلم نایستاد؛ راهی پیدا کرد، کلاس را به خانه برد، آموزش را ادامه داد و باز هم بای کار ماند. اینها را نباید به سادگی کنار هم گذاشت و بعد با چند کلیپ، تصویری ساخت که گویی معلم ایرانی در آستانه رها کردن مدرسه و شغل خود ایستاده‌است.

معلم البته حق دارد ناراضی باشد. حق دارد از حقوق بگوید. از تبعیض در پرداخت گلابه کند و درباره منزلت و شرایط زندگی خود مطالبه داشته باشد. اتفاقاً باید هم داشته باشد. مسئله معیشت معلم، با چند تکذیب و چند آمار حل نمی‌شود و اگر مطالبه‌های او به‌ر حال درست باشد، باید شنیده و برای آن پاسخ پیدا شود. اما درست به همین دلیل نباید اجازه داد یک مطالبه واقعی، دستمایه ساختن یک روایت غیر واقعی شود. نمی‌شود رنج معلم را اتکار کرد و نمی‌شود نجات او را نیز به حساب رضایت گذاشت.

این میان، دستگاه‌های متولی بیش از همه وظیفه دارند که میدان را از ابهام بیرون بیاورند. اگر استعفاهایی رخ داده، آمار دقیق آن اعلام شود، روشن شود چه تعداد از استعفاها قطعی شده، افراد چه نوع رابطه استخدای داشته‌اند، علت استعفا چه بوده و اساساً چند نفر از این افراد معلم بوده‌اند. وقتی واقعیت روشن باشد، دیگر چند کلیپ نمی‌تواند جای یک واقعیت آماری را بگیرد.

رسانه نیز اگر قرار است درباره معلم بنویسد، باید میان مطالبه و هیاهو فرق بگذارد. قاع از معلم به این نیست که هر کلیپی را باور کنیم و نقد وضعیت آموزش و پرورش هم به این نیست که هر روایت منتشرشده‌ای را به عنوان واقعیت بپذیریم. معلم ایرانی را باید با همه واقعیتش دید؛ هم با گلابه‌هایش، هم با مطالباتش و هم با همان متانت و نجابتی که سال‌هاست در کلاس درس ایستاده‌است.

معتقدیم که قشر کم‌شنا و ناشنا هم وطنانمان و هم‌نوع ما هستند و باید رنج‌ها و مشکلات آنها را کم کنیم و این یک وظیفه است؛ وظیفه‌ای که هر کاری بتوانیم باید انجام دهیم و از این منظر به موضوع نگاه می‌کنیم.

حدادعادل با اشاره به وضعیت ناشنوایی و کم‌شنوایی و دیگر معلولیت‌ها اظهار کرد: دو معلیت یک واقعیت است که باید به‌عنوان یک واقعیت شناخت، تصدیق کرد و با آن عاقلانه، عالمانه و انسانی برخورد و رفتار کرد.

کتاب‌هایی که دوام نمی‌آورند

درسی به یک راحل معمول هر ساله برای دوام آوردن کتاب‌ها تبدیل شود. علی تفکری، کارشناس آموزش و پرورش، درباره توصیه برخی مدارس به دانش آموزان برای سیمی کردن بیشتر درسی به «جوان» می‌گوید: «این توصیه بی‌دلیل نیست. معلمان هر سال در کلاس‌های درس شاهد باز شدن شیراز کتاب‌ها و جدا شدن صفحات آنها در همان ماه‌های ابتدایی سال تحصیلی هستند، در حالی که کتابی که قرار است ماه‌ها در دست دانش آموز باشد، باید از دوام کافی برخوردار باشد.»

تفکری همچنین معتقد است وقتی معلم از دانش آموز می‌خواهد کتابش را سیمی کند، در واقع ابزار دیگری برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل

کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها

برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها

برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها برای حل این مشکل در اختیار ندارد: «متأسفانه به جای حل مشکل از ریشه از مدارس می‌خواهند که با مشکل کنار بیایند!» او درباره عوامل مؤثر بر دوام کتاب‌های درسی نیز اظهار می‌دارد: «این مسئله را نمی‌توان تنها

■ **این مشکل باید ریشه‌ای حل شود**

بی‌تردید پذیرفتنی نیست که سیمی کردن کتاب‌های